

هفته مقدس و راز گذر

ویلیام اوشی



این کتاب ترجمه ای است از :

HOLY WEEK
AND
THE PASCHAL MYSTERY
1966, PAULIST PRESS

هفته مقدس

هفته مقدس نه تنها یادآوری وقایع بلکه خود یک واقعه است. هفته مقدس چیزی است که اتفاق می افتد و به خاطر ماست که اتفاق می افتد. در خلال این مقدس ترین هفته سال نه تنها گذشته را به یاد می آوریم بلکه یک واقعیت کنونی را برگزار می کنیم. این است که هفته مقدس را چنان متفاوت و چنان برجسته می کند: زیرا ما فقط مشاهده گر هفته مقدس نیستیم بلکه آن را زندگی می کنیم. در زبانی که دوباره در کلیسا و الهیات رایج شده، هفته مقدس یک مراقبت و رعایت نیست بلکه یک راز است.

«راز» در اینجا به معنی حقیقتی نیست که نمی توانیم کاملاً درک کنیم، بلکه عملی یا واقعه ای است که نجات را می آورد. راز، حضور فعال الهی و طرح نجات است. راز اصلی، مسیح خداوند ماست. خدا در او نقشه الهی نجات را واقعیت بخشید. رازهای زندگی مسیح وقایع و اعمالی هستند که نجات را برای ما می آورند. رنج، رستاخیز و صعود مسیح اعمالی هستند که نه تنها نجات را می آورند بلکه ادامه نجات ماست.

این رازها به خاطر این که اکنون در آیین نیایشی موجودند و آن را شکل می دهند، «رازهای» مراسم آیین نیایشی نیز می خوانیم. آن ها فضیلت و قدرت رازهایی را به ما می گویند که برای ما حضور دوباره می یابند. از آن جا که آیین نیایشی که «از طریق آن کار نجات ما به انجام می رسد» بیشتر آنها در قربانی الهی راز قربانی مقدس مفاهیم برجسته ای هستند که به وسیله آن ها ایمانداران راز مسیح و طبیعت واقعی کلیسای حقیقی را در زندگی خود

فهرست

صفحه

۳

هفته مقدس

۷

راز گذر

۲۴

پیشرفت هفته مقدس از لحاظ تاریخی

۳۲

سوالاتی برای بحث گروهی

بیان می‌کنند و به دیگران اعلام می‌نمایند» (نظامنامه در مورد آیین نیایش مقدس فصل ۲). وقتی در این مفهوم به آن نگاه می‌کنیم کل آیین نیایشی کلیسا و تمام آیین‌های مذهبی و مقدس، یک راز عمیق هستند که در عشای ربانی مرکزیت می‌یابند. عشای ربانی عمل بزرگی است که نجات بشر را به انجام می‌رساند و تحقق می‌بخشد.

هفته مقدس جزو آیین نیایشی است که خود، قلب و مرکز پرستش سالیانه کلیسا است. «کلیسا در چرخه سالانه، کل راز مسیح را آشکار می‌کند. از تجسم و تولد تا صعود، روز پنتیکاست و انتظار امید متبارک و آمدن خداوند. بنابراین کلیسا با یادآوری رازهای نجات، ثروت‌ها و غنای قدرت‌ها و شایستگی‌های خداوندش را به ایمانداران نشان می‌دهد، به نحوی که این‌ها به طریقی برای همه زمان‌ها مهیا گشته و ایمانداران توانایی یافته‌اند تا بر آنها تکیه کنند و با فیض نجات بخش پر شوند» (نظامنامه در مورد آیین نیایش مقدس فصل ۱۰۲).

به این دلیل آن را هفته مقدس می‌خوانیم که در طی این روزها، مقدس‌ترین وقایع را برگزار کرده و جشن می‌گیریم. از طریق مراسم مذهبی هفته مقدس، این وقایع به طریقی برای ما حاضر و قابل دسترسی می‌شوند. ما قادر هستیم تا آنها را دوباره زندگی کنیم و بر نجاتی که در خود دارند تکیه کنیم.

فرمانی که درباره اعاده هفته مقدس در سال ۱۹۵۵ صادر شد این وقایع را *nostrae mysteria redemptionis Maxima* می‌نامد یعنی بزرگ‌ترین رازهای نجات ما: رنج، مرگ و رستاخیز خداوند ما عیسی مسیح.

ممکن است ما این رازها را از یکدیگر جدا کنیم اما کلیسا هرگز چنین کاری نمی‌کند، کلیسا آن‌ها را به عنوان یک راز که ساختار واحدی دارند

می‌بیند یعنی راز نجات، راز مسیح. «او رسالتش (نجات بشریت و جلال دادن کامل خدا) را اصولاً به وسیله راز گذر از رنج‌های مقدس به رستاخیز از مردگان و صعود پرجلال خود به خوبی به انجام می‌رساند.» (نظامنامه درباره آیین نیایشی مقدس فصل ۵). در این جا مهم‌ترین کلید برای درک هفته مقدس را داریم. این کلید، برگزاری سالانه کل راز گذر است. راز عید گذر وقایع تمام هفته از ابتدا تا آخر را به هم مرتبط می‌سازد و یکی می‌کند. این یک واقعه بزرگ است که هفته مقدس برگزار می‌کند و با انجام آن خود یک واقعه سالانه می‌شود.

«راز گذر» برای بسیاری از ما یک اصطلاح جدید خواهد بود، اما راه‌گیزی از آن نیست. قبلاً در تمام جنبه‌ها ظاهر شده است. «نظامنامه در مورد آیین نیایشی مقدس» اغلب از آن استفاده می‌کند. در واقع ایده اصلی آن نظامنامه است. تمام چیزهای دیگر در اطراف آن دور می‌زند. اگر علاقمندیم که بفهمیم هفته مقدس درباره چیست بایستی با آن آشنا باشیم. زیرا راز عید گذر مرکز و قلب هفته مقدس است هم‌چنان که مرکز و قلب زندگی مسیحی نیز هست. هفته مقدس سلسله‌ای از یادآوری وقایع مجزا نیست بلکه برگزاری سالانه یک راز مربوط به گذر است. این وقایع از یک دیگر جدا نیستند. آن‌ها یک کلیت بهم پیوسته را تشکیل می‌دهند و آن کلیت راز نجات است یا هم‌چنان که بعداً بیشتر آن را به این نام می‌خوانیم: راز عید گذر. این همان چیزی است که از آخر هفته تا آخر هفته دیگر برگزار می‌کنیم. بنابراین اگر چه هفته مقدس به چندین مراسم جداگانه و متمایز تقسیم شده، در واقع برگزاری یک راز واحد است: «راز گذر از رنج‌های مقدس، رستاخیز از مردگان و صعود پرجلال.» نباید اجازه دهیم این واقعیت

که هفته مقدس از یادبودهای ظاهراً مستقل تشکیل شده آن واقعیت را مغشوش کند. زیرا درحالی که به ظاهر و در سطح مختلف هستند، همه به یکدیگر مرتبط می باشند و راز عید گذر ارتباطی که آن ها را به هم دیگر می پیوندد، مهیا کرده است.

این راز یگانه و مرکزی، تمام مراسم مذهبی هفته مقدس را برجسته می کند هم چنان که می توانیم از کلمات رساله یکشنبه نخل ببینیم، که موضوع مهم و تکراری یا موضوع راهنمای کل هفته را تشکیل می دهد. این رساله هم چنین آن اتحاد اساسی را نشان می دهد که تمام این یادبودها را با هم نگه می دارد. در واقع برای درک هفته مقدس به عنوان یک کل ضروری می باشد: «همین فکر در شما باشد که در مسیح عیسی نیز بود... خویشان را فروتن ساخت و تا به موت بلکه تا به موت صلیب مطیع گردید. از این جهت خدا نیز او را بغایت سرافراز نمود و نامی را که فوق از جمیع نامهاست بدو بخشید.» (فیلیان ۲: ۵، ۸-۹).

این متن مرگ و جلال یافتن مسیح را با هم در یک واقعه یکی می کند. آن ها یک جریان عمل مداوم و یک راز بزرگ را تشکیل می دهند - راز گذر خداوند ما به جلال - راز عید گذر. هم چنین توجه کنید که این متن تاکید می کند که قرار است ما به طریقی وارد آن راز شویم و آن را از آن خود سازیم. «همین فکر در شما باشد» به معنی این است که انتظار می رود ما همان دیدگاه و همان اندیشه ای را داشته باشیم که مسیح داشت. به عبارت دیگر ما باید خود را با او بشناسیم. این را به یاد داشته باشید زیرا دوباره به این موضوع برمی گردیم.

راز گذر

اکنون در وضعیت بهتری هستیم تا معنی «راز گذر» را مورد بررسی قرار دهیم. این عبارت یک اصطلاح جامع و فراگیر برای راز نجات است. کلمه کلیدی البته Paschal [مربوط به گذر] از اسم Pascha است که به معنی گذرگاه می باشد. راز مربوط به عید گذر بنابراین راز گذر خداوند از مرگ به زندگی، از خواری به جلال، از این دنیا به ملکوت پدرش است. آن گذرگاه هم شامل مردن و هم شامل برخاستن مسیح است. مرگ و رستاخیز او با هم، آن چیزی را تشکیل می دهند که جلال یافتن مسیح نامیده می شود. سمبل بزرگ راز گذر صلیب است. صلیب را نمی توان به سادگی به عنوان وسیله ای برای شکنجه دید بلکه به عنوان راهی به سوی جلال. اما مسیح در مرگ و برخاستن تنها نبود، گذرگاه او گذرگاه ما نیز شد. راز گذر بنابراین راز مسیح و راز مسیحیان است.

گذر خداوند، نجات ما را به تحقق رساند. در این جا باید تأمل کنیم تا نشان دهیم منظور ما از نجات چیست. بیشتر ما ایده ای بسیار سطحی و محدود از ماهیت نجات داریم. این باعث می شود تا از فهم آن چه آیین نیایشی - و مخصوصاً آیین نیایش هفته مقدس - باید درباره آن بگویید عاجز شویم. ما تمایل داریم تا به نجات به شیوه ای فاقد تحرک و غیربویا و به عنوان یک حقیقت یا یک تعلیم مدون فکر کنیم. در بهترین حالت ممکن است از آن به عنوان رهایی از گناه و پیامدهای آن ببندیشیم.

برعکس، کتاب مقدس و آیین نیایشی، «نجات را شیوه‌ای پویا به عنوان یک حرکت، یک جریان عمل و -اگر این اصطلاح را دوست دارید- به عنوان یک نمایش معرفی می‌کنند. نجات فعلیتی پیچیده است که بیشتر از نجات از گناه و پیامدهای آن را دربرمی‌گیرد. نه تنها نجاتمان از گناه و مرگ را شامل می‌شود بلکه اساساً ورود ما در زندگی را نیز دربرمی‌گیرد. نجات یعنی کل جریان عملی که به وسیله آن انسان به سوی خدا برمی‌گردد. اگر این را بیاد نداشته باشیم هرگز معنی کامل نجات را نخواهیم فهمید. قبل از آن که از شیوه برخورد آیین نیایشی با نجات صحبت کنیم باید دیدگاه کتاب مقدس در مورد نجات را بفهمیم. بنظر من، در هیچ جای کتاب مقدس این دیدگاه بهتر از کلمات پولس قدیس در رساله به کولسیان بیان نشده است. «پدر را شکر گذارید... که ما را از قدرت ظلمت رهانیده به ملکوت پسر محبت خود منتقل ساخت» (کولسیان ۱: ۱۲-۱۳).

دیدگاه معمولی نجات در «ما را از قدرت ظلمت رهانید» متوقف می‌شود و عمیقاً بر مرگ مسیح متمرکز می‌شود. مشکل است رستاخیز را بر این دیدگاه تطبیق داد. با این وجود نجات ما کاملاً به تحقق نرسید تا زمانی که مسیح از مردگان برخاست و روح القدس را بر ما فرستاد. بنابراین نجات نه تنها شامل مرگ مسیح بلکه شامل رستاخیز، صعود و فرستادن روح نیز هست. به این دلیل است که یادآوری کامل نجات (همان طور که هفته مقدس این ویژگی را دارد) باید دربرگیرنده رستاخیز و فرستادن روح باشد. نجات جریان عملی بود (و هست) که به وسیله آن انسانیت به سوی خدا برمی‌گردد انسان به طور کلی نه فقط افراد انسانی. کل انسانیت با هم نجات یافته است.

این بازگشت ابتدا در مسیح صورت گرفت، سپس در هر کدام از ما. او این بازگشت را به وسیله مرگ و رستاخیز که فقط یک جریان عمل اما دارای مراحل است، به تحقق و انجام رساند. ما آن بازگشت، آن جریان عمل را راز نجات یا به طور صحیح تر راز گذر می‌نامیم یعنی گذر مسیح از مرگ به زندگی و گذر ما با او و در او.

اکنون می‌توانیم این جمله از نظامنامه را که در بالا ذکر کردیم بهتر درک کنیم. «او رسالتش (نجات بشریت و جلال دادن کامل خدا) را اصولاً به وسیله راز گذر از رنجهای مقدس به رستاخیز از مردگان و صعود پرجلال خود به خوبی به انجام می‌رساند.» (فصل ۵).

قسمت آخر این جمله نقل قولی است از مقدمه بر Easter Vigil [نمازنامه شب زنده داری عید گذر]. این مقدمه خلاصه‌ای بی نظیر و عالی از تعلیم کلیسا درباره مراحل نجات است. مقدمه با زبانی که پژواکی از کلمات پولس قدیس است، نجات را به عنوان یک عمل مقتدرانه نشان می‌دهد که ما را در حضور خدا به جلو می‌برد. این مقدمه همچنین پژواک متن دیگری از پولس قدیس است: «او برای گناهان ما مرد و به خاطر عادل شدن ما برخاست.» ما دوباره از دیدن تصویری کامل از کل حقیقت تأثیر گرفته ایم. آن شناخت کامل و وسیع، طرح الهی نجات است تا «همه چیز را به یک سر در مسیح بیاورد.» این متن مهم از آیین نیایشی مربوط به عید گذر، مرگ و جلال یافتن را در یک واقعه واحد با هم یکی می‌کند. آن‌ها راز مربوط به گذر - گذر خداوند- را می‌سازند.

به هر حال، کافی نیست که بگوییم Paschal [مربوط به گذر] از Pascha [گذرگاه] می‌آید. حتی کافی نخواهد بود بگوییم که این کلمه به گذر

خداوند ما از مرگ به زندگی اشاره می‌کند. چیزهای بیشتر از این درباره آن وجود دارد. گذر خداوند ما یک گذر قبلی را به تحقق رساند و کامل کرد: گذر یا فصح قوم یهود. این گذر راهی برای گذر مسیح آماده کرد و تفسیری غیرقابل چشم پوشی بر عید گذر مسیحی ارائه داد.

گذر یهودی یادبود سالانه‌ای از رهایی یهودیان از بندگی مصر بود (و هست). خدا قوم خود را از سرزمین بندگی با دستی قدرتمند و بازویی گشاده بیرون آورد و سرانجام آنها را به سرزمین موعود راهنمایی کرد. تمام جزئیات این مداخله بی نظیر خدا به منظور نجات اسرائیل برای ما اهمیت زیادی دارد زیرا آیین نیایشی هفته مقدس و مخصوصاً شب زنده داری عید گذر به طور مرتب به آنها اشاره می‌کند. بدون دانستن چیزهایی درباره این جزئیات، آن آیین نیایشی را نمی‌توانیم درک کنیم.

بعضی‌ها وقایع عهد قدیم را در بهترین شیوه تعلیمی به عنوان نوعی کمک برای درک عهد جدید مدنظر قرار می‌دهند اما اهمیت آنها بسیار بیشتر از این است. برای درک آنها به طور مناسب، باید بدانیم که خدا نجات ما را به یک باره انجام نداد. او این کار را مرحله به مرحله کرد. وقایع عهد قدیم و مخصوصاً خروج از مصر با تمام جزئیاتش، اولین مراحل از یک جریان عمل طولانی هستند. او قومش را از قدرت فرعون رهایی داد. آن رهایی نخستین پیشگویی و سایه‌ای از یک نجات بزرگ‌تر بود که در آینده به وقوع می‌پیوست. کل آن یک نجات بود و الگویی را نشان می‌داد که نجات بزرگ‌تر در آینده صورت می‌گیرد. خدا آن هنگام که اسرائیل را از مصر بیرون آورد خود را به عنوان خدایی نجات دهنده ظاهر می‌کند. به وسیله همان مکاشفه خود را به عنوان خدایی نشان می‌دهد که نجات بزرگ‌تری را

باعث می‌شود. نه فقط نجات اسرائیل بلکه نجات کل بشر. تمام مکاشفه جزئی از یک کل است. نمی‌توانید آن را به قسمت‌هایی تقسیم کنید. خدای ابراهیم، اسحاق و یعقوب، خدای موسی و داود، خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح است. او یک خدا در عهد قدیم و خدایی دیگر در عهد جدید نیست. او همیشه یکی است، در خودش هیچ گونه تناقضی ندارد، او خدایی است که همیشه عمل می‌کند و کار می‌کند تا نجات دهد. گذر عیسی الگوی گذر اسرائیل را دنبال می‌کند اما آن را تحقق می‌بخشد و در این تحقق بخشیدن بر آن برتری بی‌اندازه‌ای پیدا می‌کند.

قوم اسرائیل در سرزمین مصر سالیان زیادی در بندگی بودند. خدا سرانجام موسی را فرستاد تا ایشان را از این کشور بیگانه به سرزمینی که به ابراهیم وعده داده بود رهبری و هدایت کند. عبرانیان تحت رهبری موسی بره‌ای قربانی کردند و آستانه دره‌ایشان را با خون آن بره رنگ نمودند. این علامتی بود که آنها را از دست فرشته مرگ نجات می‌داد که تمام نخست‌زادگان مصری را هلاک می‌کرد اما از عبرانیان می‌گذشت. زیرا یهوه به موسی گفت: «در آن شب از زمین مصر عبور خواهم کرد و همه نخست‌زادگان زمین مصر را... خواهم زد. و آن خون علامتی برای شما خواهد بود. برخانه‌هایی که در آن‌ها می‌باشید و چون خون را ببینم از شما خواهم گذشت و هنگامی که زمین مصر را می‌زنم آن بلا برای هلاک شما بر شما نخواهد آمد (خروج ۱۲: ۱۲-۱۳).

به خاطر این که کلمه «Pasch» شاید اساساً «کشتن یهوه» معنی می‌دهد، درحالی که به عمل ویران‌گر فرشته اشاره می‌کند بعداً گذر خداوند، گذشتن او و همچنین نجات عبرانیان معنی خواهد داد.

بعد از این که آنها خون بره را بر سر درختانها پاشیدند، آن را پختند و با نان فطیر و سبزی‌های تلخ با هم خوردند. آن‌ها این خوراک را با مایملک‌شان در دست گرفتند و آماده سفر شدند. سپس مسافرت‌شان به خارج از سرزمین مصر را در پیش گرفتند و از طریق دریای سرخ به طرف دیگر رفتند، دشمنانشان که با شدت و حدت آنها را تعقیب می‌کردند در آب دریا غرق شدند اما بنی اسرائیل به کوه سینا رفتند. خدا در آن جا عهدی با ایشان بست و سرانجام آن‌ها را به سرزمین موعود آورد. «گذر» در نهایت به عبور از طریق دریای سرخ انجامید.

خدا به یهودیان گفت تا در جشن گذر سالانه همه این‌ها را به یادآورند و گرامی بدارند. آنها یک بره می‌کشتند و به خدا تقدیم می‌کردند. سپس آن را می‌پختند و به همراه نان فطیر و سبزی‌های تلخ می‌خوردند، و چنان که گویی آماده سفر هستند، مهیا می‌شدند. جدا از مراسم مذهبی مربوط به خوراک گذر این سؤال مطرح بود که «معنی این مراسم چیست؟» که جوابش این شد «این قربانی گذر خداوند است که از خانه‌های بنی اسرائیل در مصر عبور کرد وقتی که مصریان را زد و خانه‌های ما را خلاصی داد.» (خروج ۱۲:۲۷).

خروج از مصر تولد اسرائیل به عنوان یک ملت، به عنوان قوم خدا بود. جشن گذر یادآوری سالانه آن واقعه یعنی روز تولد اسرائیل بود.

جشن گذر یهودیان یادآوری سالانه خروج از مصر و تمام وقایعی بود (و هنوز هست) که با آن مرتبط بودند. اما با توجه به مفهومی که از یادآوری می‌دانیم چیزی بیشتر از یک یادآوری صرف است. یهودی با ایمان فقط آنچه را در گذشته صورت گرفته بود به یاد نمی‌آورد بلکه به نحوی برایش جنبه

فعلی داشت. گفتن این که گذر «یادآوری خروج» بود به معنی این است که یهودیان ایمان داشتند خودشان در این واقعه شرکت نموده‌اند. هاگادا [توضیح گذر] هنوز در خانواده‌های یهودی در هنگام خوردن غذای گذر خوانده می‌شود: «ما امروز از دست مصریان نجات یافته‌ایم، ما امروز از طریق دریای سرخ عبور می‌کنیم، ما امروز وارد میراث خود می‌شویم...» این برای ما بسیار جالب است زیرا ما مسیحیان این ایده یهودی را از یک خاطره زنده گرفته‌ایم که گذشته را برایمان حاضر و زنده می‌کند. این ایده، کل آیین نیایشی کلیسا را برجسته می‌کند: در واقع آیین نیایشی بدون آن قابل درک نخواهد بود.

در همان زمان که گذر به گذشته می‌نگرد و آن را در مراسم مذهبی مربوط به گذر واقعیت می‌بخشد، به سوی یک خروج جدید و بزرگ تری نظر دارد که باید در آینده صورت بگیرد. این گذر، گذر نهایی و تعیین کننده خواهد بود، گذر اولی فقط راه را برای این گذر آخری آماده می‌کند. بنابراین گذر یهودی هم یک یادآوری و هم یک پیشگویی بود. گذر یهودی اعمال قدرتمند خدا در گذشته را دوباره مطرح می‌کرد و به گذری بزرگ تر اشاره می‌کرد که می‌آمد. گذر جدید، تمام وعده‌های گذر قدیم را تحقق می‌بخشد.

بنابراین به همین دلیل است که گذر یهودیان به گذر مسیح اشاره می‌کند و تحققش را در آن «گذر جدید شریعت تازه» می‌یابد یعنی عشای ربانی و خوردن تن مسیح. رنج، مرگ و رستاخیز مسیح خروج جدید بود. این مطلب را در انجیل لوقای قدیس می‌بینیم. در روایت تجلی مسیح، لوقا به ما می‌گوید که موسی و الیاس در این باره با مسیح گفتگو می‌کردند: «رحلت او [مسیح] که می‌بایست به زودی در اورشلیم واقع شود» (لوقا ۹:۳۰-۳۱).

در مسیح که کل بشریت را در خود جمع کرد، همه ما به ملکوت خدا گذر می‌کنیم. گذر مسیح، موسی نوین، گذر اسرائیل جدید یعنی کلیسا می‌شود. در مسیح تمام قسم‌ها و امیدهای عهد قدیم درباره واقعه گذر به تحقق و کاملیت رسید. ما نیز بره گذر خود را داریم و او مسیح است. به این دلیل است که پولس قدیس می‌تواند بگوید «مسیح گذر ما ذبح شد» و مقدمه Easter Vigil با گسترش این جمله می‌گوید: «او بره واقعی گذر ماست که گناه جهان را برداشت». خون بره گذر یهودی فقط نشانی از رهایی بود، خون این بره واقعاً ما را از دست شیطان، گناه و مرگ رهایی می‌دهد. درحالی که در خون این بره شسته شده‌ایم در یک زندگی تازه و پر از جلال دوباره متولد گشته‌ایم. گذر ما بسیار بزرگ‌تر است از گذر از بندگی زمینی به آزادی زمینی، گذر ما وارد شدن در زندگی جاودانی است.

بین وضعیت‌هایی که خروج را احاطه کرده بود و آن‌هایی که آخرین روزهای زندگی نجات دهنده ما را دربرگرفته بود یک رابطه مستقیم وجود دارد. مسیحیان اولیه این حقیقت را فوراً دریافتند. آن‌ها با غریزه‌ای غیرقابل اشتباه و به طور بی سابقه‌ای همان نامی را که یهودیان برای گذر داشتند - «گذر» یا «عید گذر» - به این جشن مسیحی دادند و حتی آن را به طور مطلق «عید» نامیدند. مسیحیان انگلیسی زبان از این لحاظ به خاطر کلمه Easter اشکال دارند که به هیچ وجه معنی مورد نظر را نمی‌رساند. این کلمه خود از منبع دیگری می‌آید یعنی Eostre الهه بهار مشرکان توتنی. اما در لاتین و در زبان رومی به طور کلی این رابطه روشن است.
Pascua, Paques, Pascha.

درست همان طور که یهودیان گذر را به عنوان روز تولد اسرائیل جشن می‌گرفتند کلیسا نیز به همان طور عید قیام را به عنوان تولدش جشن می‌گیرد. «زیرا هنگامی که مسیح بر روی صلیب به خواب مرگ خوابید از پهلوی او بود که «راز شگرف کل کلیسا» جاری شد» (نظامنامه آیین نیایش مقدس فصل ۵). به این علت است که مسیحیان اولیه ترجیح می‌دادند که راز تولد جدید یعنی تعمید را در خلال شب نیایش عید گذر برپا دارند. بخشیدن تولد به اعضای جدید راهی عملی و واقعی برای بزرگداشت تولد کلیسا بود. تعمید و قربانی مقدس هنوز رازهای مربوط به گذر هستند. تمام مراسم شب نیایش عید گذر توسعه و بسط این دو راز می‌باشد.

چیزی مسیحیان قرون اول (از جمله نویسندگان عهد جدید) را بیشتر از در امتداد هم قرار دادن دو خروج و دو گذر خوشحال نمی‌کرد. چنین به نظر ما می‌رسد که آن‌ها به وسیله این ایده، عقده‌ای روحی و وسواس پیدا کرده بودند اما این عقیده به این خاطر است که ما از دیدگاهی که پدران ما از کتاب مقدس داشتند بسیار دور شده‌ایم. خارج از شواهد زیادی که می‌توانیم نقل کنیم یکی را مخصوصاً برگزیده‌ایم تا ما را در این مورد بصیرت و روشنی بخشد.

یهودیان در اولین گذر، از بندگی فرعون آزاد شدند، ما در روز تصلیب مسیح از بندگی شیطان آزاد گشتیم. آنها یک بره را قربانی کردند و بوسیله خون آن از دست فرشته مرگ رهایی یافتند، ما بوسیله خون پسر محبوب از کارهای شیطانی که انجام داده‌ایم آزاد شدیم. آنها موسی را برای هدایت خود داشتند، ما مسیح را بعنوان سر و نجات دهنده خود داریم. موسی دریا را برای ایشان شکافت و آنها از آن عبور کردند، خداوند ما هاویه را گشود و وقتی

که به عمق‌های آن فرو رفت دروازه‌های آن را شکست و آنها را باز کرد و راهی برای کسانی که به او ایمان می‌آورند درست کرد. (Aphraates de onstration 12:8).

آیین نیایشی هفته مقدس ما همان خط فکری را تا به امروز ادامه می‌دهد. این مطلب چنان واقعیت دارد که ما مجبوریم بگوییم که نمی‌توانیم حتی اشاراتی را که در قرائتها، دعاها و سرودهای این روزها وجود دارد بدون شناختن حقایق گذر یهودی بفهمیم. مجبور نیستیم محقق کتابمقدس بشویم اما احتیاج داریم که حداقل شناخت لازم برای تفسیر زبان هفته مقدس را داشته باشیم. چه دوست داشته باشیم و چه نداشته باشیم، خدا مکاشفه خود را به وقایع عهد قدیم بسته است و وقایع عهد جدید بدون زمینه‌های عهد قدیم آنها معنی‌چندانی ندارند.

مثلاً Exsulter یا سرود شادمانی عید گذر را نگاه کنید. همه آن درباره تصلیب و رستاخیز مسیح است اما همه اش بطور مساوی درباره عبور از دریای سرخ و بره گذر نیز هست. در واقع رستاخیز بر حسب واقعه خروج تفسیر می‌شود:

این عید گذر است که در آن بره ذبح شد که خونش سر در خانه‌های ایمانداران را تبرک بخشد.

این شبی است که در آن تو اجداد ما، بنی اسرائیل را از مصر بیرون آوردی و آنها را از دریای سرخ با پای خشک عبور دادی... امشب، شبی است که ستونهای آتش، تاریکی گناه را زدود...

این شبی است که در آن مسیح بندهای مرگ را گسست و پیروز از قبر برخاست.

و بخاطر این حقیقت رستاخیز که در این شب رخ داد تمام دنیا بوسیله پرتو مسیح روشن گشته است.

این شبی است که امروزه در تمام دنیا، ایمانداران به مسیح را از بدیهای دنیا و تاریکی گناه جدا می‌کند، آنها را یاری می‌دهد تا فیض بیابند و ایشان را در جماعت قدیسن می‌پذیرد.

پیروزی مسیح بر قبر، گذرش از مرگ به زندگی، گذر حقیقی و خروج واقعی است. این شب و آنچه در آن اتفاق افتاد ما را از تاریکی بیرون می‌برد و وارد نور و ملکوت خدا می‌کند. راز گذر فقط به معنی مرگ و رستاخیز مسیح نیست. او برای ما مرد و برخاست. ما مردیم و با او برخاستیم. تجربه او تجربه ما شد زیرا او ما را دربر گرفته بود. تمام بشریت و هر کدام از ما در او به سرزمین موعود گذر کردیم. یک باره ما «فرزندان تاریکی» برآستی «نور در خداوند» شدیم.

این معنی کامل راز گذر است. اکنون می‌توانیم ببینیم که آن به خاطر کار فعال طرح الهی برای نجات است. نجات در کار است و تأثیر کامل خود را آشکار می‌کند. راز گذر نجاتی است که در کار می‌باشد. تأثیر راز گذر، خلقت کلیسا و بنای بدن مسیح است. راز مسیح راز ما نیز هست. این همان چیزی است که نه تنها در طی هفته مقدس و مخصوصاً در طی شب نیایش عید گذر بلکه هر روز سال آن را جشن می‌گیریم. اکنون می‌توانیم ببینیم که چرا می‌گوییم راز گذر را با زندگی کردن آن جشن می‌گیریم. در این حقیقت که فقط یک راه وجود دارد می‌توانیم حقیقتاً آن را جشن بگیریم، «پیوسته قتل عیسی خداوند را در جسد خود حمل می‌کنیم تا حیات عیسی هم در بدن ما ظاهر شود» (۲قرن‌تیا ۴:۱۰).

نیز سخن بگویم: «در آیین نیایشی، تقدیس انسان به وسیله نشان‌هایی ملموس درک می‌شود و به طریقی تأثیر می‌گذارد که با هر کدام از این نشان‌ها در ارتباط است (فصل ۷). یا هم چنان که Dam vagaggini در کتابش بنام «ابعاد الهیاتی آیین نیایشی» می‌گوید: «در زیر پوشش نشان‌ها، به همه چیزهایی که بر آنها دلالت می‌کنند به طور واقعی می‌رسیم... واقعیت از طریق پوشش ملموس برای ما به دست می‌آید. «حتی بهتر» نشان وسیله‌ای است که واقعیت نامریی از آن طریق برای ما ظاهر می‌شود و به ما اجازه می‌دهد تا وارد رابطه با آن شویم.» دلیل این گفتار این است که فقط این مراسم می‌توانند حضور فعال مسیح نجات دهنده را ظاهر کنند.

بیانیه‌ای که «ترتیبی نوین برای هفته مقدس» را در سال ۱۹۵۵ پایه‌گذاری کرد، زحمت زیاد کشید تا روشن کند که مراسم هفته مقدس نیرو و کارایی لازم برای تغذیه زندگی مسیحی را دارد به نحوی که هیچ دعای دیگری هرچقدر خوب و زیبا باشد نمی‌تواند ادعا کند که به پای آن برسد. نظامنامه آیین نیایشی مقدس بار دیگر حتی ادعای بیشتری دارد و می‌گوید: «هر نوع برگزاری آیین نیایشی (از جمله مراسم هفته مقدس) از آن جا که عمل مسیح کاهن و بدن او یعنی کلیساست، یک عمل مقدس است که بر تمامی اعمال دیگر برتری دارد. هیچ کار دیگر کلیسا با همان عنوان و همان درجه نمی‌تواند آن قدر کفایت داشته باشد. (فصل ۷).

کفایت برای چه؟ آیین نیایشی و مخصوصاً آیین نیایشی هفته مقدس چه کاری انجام می‌دهند؟ به طور خلاصه جواب این است: آیین نیایشی، مسیح را در ما بنا می‌کند. مراسم آیین نیایشی، دعاها، قرائت‌های کلام. سرودها و اعمال «ایمانداران را برمی‌انگیزاند و با رازهای گذر پر می‌کند تا» در

کلیسا (یعنی ما) راز گذر را در طی روزهای هفته مقدس جشن می‌گیرد. در پنج شبه هفته مقدس نمازنامه عشای ربانی از ما می‌خواهد که «آن چنان رازهای رنج خداوند را ظاهر کنیم که بخشایش گناهان را به دست آوریم.» در زبان لاتین حتی بیشتر از این صریح و مختصر است:

Da nobis ita Dominicæ passionis sacramenta peragere.

peragere یعنی ظاهر کردن، جشن گرفتن، از طریق کسی انجام دادن. اما می‌توانیم مفهوم آن را در یک کلمه خلاصه کنیم «زیستن». ما باید رازهای رنج خداوند را زندگی کنیم. باید آگاه باشیم که در زمان نوشتن این دعا، رنج خداوند بسیار بیشتر از امروز، معنی داشت. برای ما رنج به معنی عذاب و مرگ مسیح است که بیشتر بر عذاب تکیه می‌شود. برای ایمانداران در زمان‌های قدیم، رنج کسی - مسیح یا شهید - هم به معنی عذاب و هم به معنی پیروزی بود که آن عذاب در پی داشت. رنج مسیح بنا بر این شامل رستاخیز نیز هست. «راز رنج خداوند» یعنی راز گذر *Dominica passionis sacramenta peragere* یعنی برگزاری راز گذر یا بهتر بگوییم احیای مجدد راز گذر.

برپایی راز گذر فقط یک مراسم صرفاً ظاهری نیست بلکه احیای مجدد وقایعی است که به یاد می‌آوریم. اما در همان زمان چنان تعلیم یافته‌ایم که فقط می‌توانیم این وقایع را عمیقاً به وسیله برگزاری مراسم ظاهری احیا کنیم. مراسم هفته مقدس وسیله‌هایی هستند که توسط آنها ما قادر می‌شویم تا حقیقتی را که آنها در بردارند درک کنیم و آن حقیقت را نیز زندگی کنیم. راز گذر از طریق این مراسم هفته مقدس به ما می‌رسد. باید همانند آن چه نظامنامه آیین نیایشی مقدس درباره کل آیین نیایشی می‌گوید درباره آن‌ها

تقدس یکی» باشند، دعا می‌کند که به آن چه در زندگیشان بدست آورده‌اند با ایمان وفادار باشند. احیای مجدد در راز قربانی مقدس عهد بین خداوند و انسان، ایمانداران را به زندگی کامل مسیح می‌کشد و آنها را بر آتش می‌گذارد» (فصل ۱۰).

همین نظامنامه در جای دیگری می‌گوید که «از آن جا که آیین نیایشی رازها و مربوط به آنها تقریباً هر واقعه‌ای در زندگی اعضای مستعد ایماندار را تقدیس می‌کند، آن‌ها این دسترسی به جویدار فیض الهی را یافته‌اند که از راز گذر از رنج، مرگ و رستاخیز مسیح جریان می‌یابد، چشمه‌ای که تمام رازها و چیزهای مربوط به آنها قدرتش را از آن می‌گیرند (فصل ۶۱).

هر کدام از مراسم هفته مقدس: حرکت دسته جمعی در مراسم نخل، ستایش صلیب در روز جمعه الصلیب، تقدیس روغن، شستن پاها، احیای وعده‌های تعمیم، هم در مفهوم گذشته و هم حال یک راز است. یعنی خود برپایی آن‌ها پیشرفتی در کسب فیض نجات را برای ما به ارمغان می‌آورد. آن‌ها وسیله‌هایی هستند که از طریق آن‌ها راز گذر به ما می‌رسد و تأثیری بر ما می‌گذارد. مراسم اصلی هفته مقدس، راز تعمیم و راز متبارک قربانی مقدس هستند. بدون آن‌ها هیچ‌گونه راز گذری و (البته هفته مقدسی) اصلاً نخواهد بود. این رازها مخصوصاً راز قربانی مقدس، برپایی واقعی راز گذر هستند. به این دلیل است که آیین نیایشی، آن‌ها را رازهای گذر می‌نامد.

کلیسا این رازهای گذر را با سلسله‌کاملی از مراسم احاطه نموده که آن‌ها را توسعه می‌دهد، تقویت می‌کند، پیشرفت می‌بخشد و تفسیر می‌کند. این مراسم فرعی به عنوان تفسیری بر رازهای اصلی عمل می‌کنند. مراسم مذهبی جایگاه لازم برای آن‌ها را ترتیب می‌دهد. رازهای اصلی را تقویت و

برجستگی می‌بخشد و هم‌چنین در تأثیر رازهای گذر شرکت می‌کنند که مسیح را در ما شکل می‌دهد. آن‌ها به این خاطر منظور نشده‌اند که ما را در مورد راز گذر گیج و سرگردان کنند بلکه تا برگزاری آن راز را تشدید کند. بنابراین چه مراسم نخل، یا تقدیس صلیب یا شستن پاها یا احیای وعده‌های تعمیم را داشته باشیم و چه نداشته باشیم، همیشه راز اصلی را برگزار می‌کنیم، ما مرگ و برخاستن مسیح را دوباره زندگی می‌کنیم.

هفته مقدس، راز گذر را در یک معنی دوگانه جشن می‌گیرد. گذر خداوند را هم به صورت تشریفاتی و هم بصورت عرفانی دوباره نمایش می‌دهد. قبل از هر چیز تمام این مراسم را انجام می‌دهد که رنج و رستاخیز را به صورت سمبلیک نشان می‌دهند و به وسیله انجام آنها واقعیت راز گذر در قلب ما را دوباره به وجود می‌آورد. مسیح در ما به صورت عرفانی می‌میرد و برمی‌خیزد. هر بار که راز نجات را برگزار می‌کنیم به شباهت مسیح نزدیک تر می‌شویم و هم وفاداری و هم نجات ما را افزایش می‌دهد. در شکل‌گیری مسیح در ما همکاری می‌کند که موضوع کل فعالیت تقدیس کننده کلیساست. درحالی که راز گذر در مراحل مختلفی یا قدم به قدم صورت می‌گیرد، خودش یک واقعه یگانه و منحصر به فرد، است که از فروتنی و سربلندی در جلال شروع می‌شود. این یگانگی در برگزاری عید قیام در کلیسای اولیه آسان تر دیده می‌شد. کلیسای اولیه، کل راز گذر را تنها در یک جشن یعنی شب زنده داری گذر، یادآوری می‌کرد که در طی شب یکشنبه مقدس تا یکشنبه قیام برگزار می‌شد. آنها این جشن را Pascha = گذر می‌نامیدند زیرا یادآور گذر خداوند از مرگ به زندگی بود. در این مقدس ترین شب سال ایمانداران با هم جمع می‌شوند تا به قول قدیس

اگوستین «مادر تمام شب زنده داری‌ها» را برگزار کنند و جشن بگیرند. در خلال این شب زنده داری، دعا می‌کردند و به خواندن کتاب مقدس گوش فرا می‌دادند. نوایمانان تعمید می‌یافتند و تأیید می‌شدند. شب زنده داری در صبح زود عید قیام با عشاء عید قیام به پایان می‌رسید. این نوع برگزاری سالانه گذر خداوند، در این یک شب متمرکز می‌شد و سپس پنجاه روز تا پنتیکاست ادامه می‌یافت. توجه کنید که این برپایی صرفاً یک یادآوری روانی رنج و رستخیز نبود بلکه یادآوری عملی و واقعی بود که با کلمات و اعمال مخصوصاً با راز تعمید و قربانی مقدس بیان می‌شد. به بیان دیگر شیوه‌ای که آن‌ها راز گذر را برگزار می‌کردند برای این بود تا آن‌ها رازگونه به نمایش بگذارند. نه تنها تعمید یافتگان نوایمان بلکه تمام ایمانداران آن وقایع نجات دهنده را دوباره زندگی می‌کردند. برگزاری واقعی عید قیام همیشه شبیه این است. این برگزاری، یادآوری صرف نیست بلکه زندگی کردن دوباره رازهای مقدس نجات ما و تصاحب آن‌هاست.

روزهای دیگری در طول زمان اضافه شده تا آن‌جا که ما اکنون یک هفته کامل داریم در صورتی که قبلاً فقط یک روز بود، با این وجود هنوز این حقیقت باقی مانده که شب زنده داری عید گذر برپایی اصلی عید گذر است. هیچ برپایی دیگر، هیچ روز دیگری نمی‌تواند به اهمیت آن برسد. و با این وجود هنوز یک برپایی یک پارچه است یعنی یادآوری کل کار نجات می‌باشد. نه فقط رستخیز بلکه رنج، نه تنها روشنایی صبح عید گذر بلکه واقعیت سخت و تلخ بعد از ظهر جمعه الصلیب.

بار دیگر به این ایده برخوایم گشت اما در اینجا باید این نکته را عنوان کنیم: شب زنده داری عید گذر فقط اوج هفته مقدس نیست بلکه تمرکز تمام

آن هفته در یک شب می‌باشد. و برعکس هفته مقدس نیز شب زنده داری عید قیام است که در یک هفته گسترش یافته است. راه دیگری برای توضیح این مطلب به قرار زیر است: بدون هفته مقدس ما می‌توانیم کار خود را بکنیم اما بدون شب زنده داری عید گذر نمی‌توان. هفته مقدس بدون آن هیچ مفهومی نخواهد داشت. هفته مقدس وجود دارد فقط به خاطر آن چه که شب زنده داری عید گذر برگزار می‌کند و گسترش و پیشرفت می‌دهد یعنی پیروزی صلیب. در یکشنبه نخل، در پنجشنبه مقدس، در جمعه الصلیب، همیشه راز گذر هست که ما آن را برگزار می‌کنیم. ما اندیشه صلیب را از پیروزی که شکست ظاهری را با پیروزی پر جلال عوض کرد، جدا نمی‌کنیم. در خلال این هفته به طور عمیق تری به هر دو جنبه این راز نگاه می‌کنیم. اما همیشه به کل راز می‌اندیشیم که در ورای جزئیات قرار دارد.

پیشرفت هفته مقدس از لحاظ تاریخی

در طی مدت زمان قرن چهارم، عمدتاً به خاطر تأثیر کلیسای اورشلیم، یک پارچگی اصلی و اساسی عید گذر شروع به از هم پاشیدن کرد. درحالی که شب زنده داری عید گذر هنوز جشن گذر باقی مانده بود، روزهای دیگر و مراسم دیگر، تمام هفته را پر کرد. ایمانداران در اورشلیم لزوم برگزاری و نمایش مجدد وقایع مختلف این هفته را در همان جاهایی که رخ داده بود، حس کردند. بنابراین ما این جریان عمل را به صورت زیر داریم: مراسم نخل در یکشنبه نخل، یادآوری شام آخر در پنج شنبه مقدس، تقدیس صلیب در جمعة الصلیب. تمام این ها از راز به تاریخ تغییر می کنند.

به وسیله منظوری که در این جا داریم می توانیم ابتدای تمایلی را ببینیم که پیامدهای دور از دسترسی به دنبال داشت. به جای تمرکز بر دوباره زیستن این راز، مردم بیشتر تمایل داشتند تا وقایع تاریخی را دوباره به نمایش بگذارند. هر دوی این ها می توانند در زندگی کلیسا جایی داشته باشند اما نمایش های تاریخی به این تمایل دارند که به سوی نمایش های پرشکوه و تشریفاتی انحطاط یابند. دوباره زیستن این راز هرگز چنین کاری نمی کند. و اگر می خواهیم که آیین نیایش کلیسا را از خطر تشریفات محافظت کنیم فقط می توانیم آن را به وسیله فراموش نکردن این مطلب انجام دهیم که مراسم مذهبی هفته مقدس، راز هستند و نه نمایشهای پرزرق و برق تاریخی.

این مراسم فرعی هفته مقدس از اورشلیم به گل (فرانسه امروزی)، اسپانیا، شمال ایتالیا و دیگر سرزمین های غرب و سرانجام به روم گسترش

یافت. در طی قرون وسطی این مراسم به آن چنان امور پرزرق و برقی مبدل شدند که شبیه آن را در دهه پنجاه قرن بیستم می بینیم.

باگذشت زمان آن چه اجتناب ناپذیر می نمود، رخ داد. آن چه که در مورد مراسم مذهبی اگر تازه کننده و اصلاحگر نباشد همیشه اتفاق می افتد روی داد. مراسم هفته مقدس تازگی و طراوت خود را از دست داد و شکل نمایش و تشریفات به خود گرفت. آن چیزی شد که هرگز بدان نیت، منظور نشده بود یعنی به جای رازهای مقدس به مراسم و نمایش های مذهبی مبدل گردید. حتی بدان جا رسید که این رازها که می بایست به وسیله کل جماعت ایمانداران برگزار می شد به وسیله روحانیون و به صورتی تشریفاتی انجام می شد. در طی قرون وسطی و به تبع در دنیای امروز، مردم حداقل در مراسم هفته مقدس شرکت می جستند، اگر چه بطور مستقیم نقش کوچکی در آن ها داشتند و به سختی می توانستند همه آن را درک کنند. سه روز آخر هفته مقدس که Tridum Sacrum خوانده می شد، تا قرن هفدهم روزهای مقدس و پراهمیتی بودند و در سرزمین های کاتولیک نیز همین عقیده وجود داشت. این امر به واسطه این بود که بسیاری از مردم می توانستند در مراسمی که در آن سه روز برپا می شد، شرکت نمایند.

به هر حال، با تغییر اوضاع اقتصادی و پیامدهای آن که ریتم و آهنگ دنیای امروز را به جهت دیگری سوق می داد، آن مشارکت اندک مردم به کلی از بین رفت. آن روزها، دیگر روزهای تعطیل و مقدس به حساب نمی آمدند. مردمی که مجبور بودند صبح ها به سر کار بروند اگر هم می خواستند در مراسم و دعاهای هفته مقدس شرکت کنند، نمی توانستند. به علاوه این دعاها و مراسم بسیار طولانی و خسته کننده و فاقد روح دعوت بود و نمی توانست

مردم را به سوی خود جلب نماید. بنابراین در سال ۱۹۵۵ وضعیتی را می بینید که در بیانیهٔ *Maxima Redemptionis mysteria* توصیف شده است. مقدس ترین رازهای کلیسا در کلیساهای تقریباً خالی برپا می شد. به ویژه این مسئله در مورد «مادر تمام شب زنده داری ها» صدق می کرد. شب زنده داری عید گذر به جای اشغال جایگاه مرکزی و اصلی، به صبح شنبه منحصر شد که ابداً مناسب آن نیست زیرا شنبهٔ مقدس بر اساس سنت و از قدیم روز سوگواری و آمادگی برای برپایی عید گذر است. این جابجایی از شب به صبح روز قبل، سمبولیسم غنی شب زنده داری را بی معنی و خالی از مفهوم گردانید و متون مربوط به آن را از اعتبار و ارزش انداخت. شب زنده داری عید گذر خود به امری مربوط به روحانیون تبدیل شد و فعالیت جماعت ایمانداران از آن خارج شد. در واقع چگونه می توان از اجتماع سخن گفت وقتی که چنین اجتماعی در آن جا حضور نداشت؟ مراسم تعمید که یکی از نکات برجستهٔ شب زنده داری واقعی عید گذر است به ندرت در صبح شنبهٔ مقدس برگزار می شد.

از آن جا که هم پنجشنبهٔ مقدس و هم جمعهٔ الصلیب در صبح برگزار می شد دیگر مراسم هفتهٔ مقدس بهتر از این برپا نمی شد. اگر چه نسبت به شب زنده داری، افراد بیشتری به این مراسم می آمدند اما به مفهوم واقعی بسختی می توان آن ها را مراسم کل جماعت ایمانداران نامید. مراسم آیین نیایشی دیگر در بعد از ظهر و غروب برگزار نمی شد و جای آن را علائق و نمایش های بی ارتباط با آیین نیایشی گرفته بود. مراسمی از قبیل جایگاه های صلیب، سه ساعت درد جان دادن و ساعات مقدس، دلایلی بر عامه پسندی آن ها به جای مراسم رسمی هفتهٔ مقدس می باشد. این مراسم

حاکمی از علاقه و خواخواهی، حتی در بهترین حالتش به علت عامه پسند بودن آن ها، فاقد تأثیر و نیروی رازهای مراسم آیین نیایشی هفتهٔ مقدس بود. آن مراسم بر معنی واقعی هفتهٔ مقدس تأکید نمی کرد و اغلب به جای نفوذ در قلب و ماهیت راز در سطح باقی می ماند. فقط از روی تصادف بود اگر گاهی منظور واقعی کلیسا را می رساند. به علاوه آن مراسم همان چیزی بود که نامش بیان می کرد؛ «علاقمندی و طرفداری خصوصی به جای دعای جمعی.» آن چه بیشتر جدی می نمود این بود که این مراسم نمی توانست تجربهٔ رازگذر را برای ایمانداران مهیا کند که موضوع اصلی وجود هفتهٔ مقدس است. ممکن بود آن مراسم، مراسمی وفادارانه و حتی الهامی باشد اما به هیچ معنی نمی توان آن را برگزار می دانست.

واضح است که کاری باید صورت می گرفت. رازگذر می بایست مرکزیت زندگی مسیحیان را پیدا می کرد. یعنی این که هفتهٔ مقدس بایستی جایگاه واقعی خود را در زندگی کلیسا بازمی یافت. مراسم هفتهٔ مقدس وسایلی برای برگزاری رازگذر هستند. در واقع نمی توانیم آن راز را فقط در ذهن خود برگزار کنیم. کافی نیست فقط دربارهٔ آن بیندیشیم بلکه باید آن را تجربه کرده و در جامعه زندگی کنیم. اگر بخواهیم اصطلاحی رایج برای تعریف آن به کار ببریم هفتهٔ مقدس باید امری *ecclesial* یعنی کلیسایی و جهان شمولی باشد. راز گذر قبل از این که تجربهٔ فردی اعضا باشد، باید تجربهٔ بدن مسیح باشد. راز مسیحی یک زندگی است که باید در آن مشارکت کرد نه این که از آن دوری گزید.

آیین نیایشی زنده باید قبل از هر چیز پرستش یک جامعه باشد و اساساً معنی «آیین نیایشی = Liturgy» همین است! یعنی اعمال انسان های قوم

خدا. برای این که پرستش یک جامعه باشد باید همه مردم بتوانند در آن شرکت کنند. آیین نیایشی که فقط به وسیله متخصصین انجام می شود، پرستش عمومی به معنی واقعی کلمه نیست، این گونه مراسم تمایلی ندارد تا به وسیله عامه مردم اجرا شود. به این دلیل نمی تواند، نیایش شبانی باشد یعنی قوم خدا را تغذیه و تقدیس نخواهد نمود و پرستش کلیسا به منظور انجام این امر منظور شده است. اگر چنین کاری نکند، وظیفه خود را انجام نداده است.

سالها قبل در ۱۹۰۳ قدیس پیوس پنجم این خصوصیت روشنگر و اصل بزرگ آیین نیایش شبانی را بیان کرد. او گفت: «مشارکت زنده ایمانداران در دعای جمعی و انفرادی کلیسا، منبع اولیه و حتمی روح مسیحی است.» بیانیه Maxima Redemptionis این اصل را با روشنی و صراحت بیشتری دوباره بیان می کرد و آن را به شیوه ای عملی نسبت به هفته مقدس به کار می برد، هفته ای که مرکز سال کلیسایی می باشد. هدف این بیانیه بازگشت هفته مقدس به جایگاه ارزشمند و واقعی خود در زندگی کلیسا بود. برای انجام این کار واتیکان باید ابتدا کل آیین نیایشی هفته مقدس را احیا کرده و آن را به یک آیین نیایشی زنده تبدیل کند.

از سال ۱۹۵۵ راه طولانی را پیموده ایم. اکنون می توانیم ببینیم که «ترتیبی برای مراسم هفته مقدس» در واقع فقط آغاز احیای مجدد کل آیین نیایشی است. این کار وظیفه ای بس خطیر است و هنوز هم ادامه دارد و تا مدت ها ادامه خواهد داشت. برای انجام موفقیت آمیز چیزی شبیه این باید از جایی شروع کرد. واتیکان ترجیح داد با هفته مقدس شروع کند و تصمیم عاقلانه ای بود. وقتی این حقیقت را پذیرفتید که هفته مقدس مرکز و قلب

سال کلیسایی است؛ می توانید ببینید که این کار فقط قدمی است به سوی مفهوم بخشیدن به این هفته و کل سال کلیسایی. اگر آیین نیایشی هفته مقدس به آیین نیایشی زنده تبدیل می شود چرا تا کل آیین نیایشی به یک آیین نیایشی زنده تبدیل نشود توقف کنیم؟ اگر مراسم عشای ربانی در هفته مقدس را می توان یک برگزاری جمعی و عمومی ساخت چرا دیگر مراسم عشای ربانی در تمام سال چنین نشود؟

برای بهبود و اعاده مراسم هفته مقدس، واتیکان ابتدا باید آن را آسان تر کند. یعنی پاک کردن هر چیزی که خطوط و دیدگاه های روشن این مراسم در قدیم را تیره و تار می سازد و از مصاحبت مستقیم با مردم جلوگیری می کند. مثلاً تبرک نخل از خود مراسم مربوطه مهم تر (و طولانی تر!) شده بود. با این وجود جریان مراسم مهم است و نه تبرک. وجود تبرک به خاطر جریان مراسم است. بیشتر اوقات مراسم اصلاً برگزار نمی شد.

اولین قدم ساده انگاشتن و عدم تأکید بر تبرک و اهمیت دادن به جریان مراسم بود. قدم بعد روشن ساختن مفهوم مراسم بود. یعنی ترتیب دادن دوباره آن به نحوی که معنی و مفهوم آن واضح و روشن شود.

این ایده و عمل در مورد همه مراسم صدق می کرد. هر کدام از آن ها باید مورد تجدید نظر و اختصار قرار می گرفت. جایی که لازم بود از سر نو ترتیب داده شوند. مراسم جدیدی اضافه شود تا به مراسم دعا معنی بیشتری بدهد مثلاً احیای وعده های تعمید در خلال شب زنده داری عید گذر.

قبلاً مراسم هفته مقدس به جای این که به طور عمومی برگزار شود به وسیله افراد خاصی انجام می شد. مردم یا هیچ نقشی نداشتند یا نقش بسیار کوچکی ایفا می کردند. برای اولین بار در طی قرن های متمادی، «ترتیبی

نوبین برای هفتهٔ مقدس» در سال ۱۹۵۵ به منظور شرکت فعال ایمانداران در آیین نیایشی کلیسا تهیه گردید. قبل از آن کلیسا چنین مشارکتی را تشویق می‌کرد، اکنون سر فصل‌های آن نمازنامه مشارکت مردم را تضمین می‌نمود: «همه مسئولند»، «همه در آن پیوند دارند» «همه مشارکت دارند». این جهت‌گیری در کل نمازنامه «ترتیبی نوبین برای هفتهٔ مقدس» بارها و بارها تکرار می‌شود.

همهٔ کسانی که حضور دارند صلیب را ستایش و تکریم می‌کنند تا با هم پدر آسمانی را بسایند. در خلال شب زنده داری عید گذر همه شمع‌های روشن در دست می‌گیرند. مردم در مراسم احیای وعده‌های تعمید با خادم سخن می‌گویند و در آن مشارکت می‌کنند. مثال‌های زیادی در این مورد وجود دارد.

اگر مردم نقشی فعال، آگاهانه و مشتاق در برگزاری این مراسم مقدس ایفا کنند، باید قادر باشند که آن اعمال مقدس را ببینند، آن را درک کنند و پیشرفت آن را دنبال نمایند. بنابراین «ترتیبی نوبین برای هفتهٔ مقدس» تبرک آب تعمید و راز تعمید را مهیا می‌سازد تا نه تنها هم‌چون گذشته در حوض تعمید بلکه در قربانگاه نیز صورت گیرد تا همه بتوانند آنچه را جریان دارد به خوبی مشاهده نمایند.

تمام این کارها به این منظور بود که مراسم هفتهٔ مقدس را به برگزاری کل جامعهٔ ایمانداران تبدیل کند. برای این در نظر گرفته شده تا راز گذر را دوباره کشف کند و آن را یک مشارکت زنده و داوطلبانه در مراسم مقدس گرداند و راه احیای کلی آیین نیایشی را مهیا سازد.

چنین چیزی را نمی‌توان به یک باره انجام داد و مستلزم زمان است. مردم

باید آماده و راهنمایی شوند. اما این کار تا زمانی که شبانان کلیسا خودشان با روح آیین نیایشی بیگانه‌اند امکان‌پذیر نیست. بنابراین نمازنامه «ترتیبی نوبین برای هفتهٔ مقدس» این امکان را فراهم می‌کند که کشیشان، جماعت خود را در فهم معنی این مراسم راهنمایی کنند. آن‌ها باید این کار را نه تنها در طی فصل انابت بلکه تا آن‌جا که ممکن است در خلال خود برگزاری مراسم انجام دهند. تمام این‌ها یعنی تجدید حیات واقعی کلیسا، آگاهی تازه در مورد راز گذر، بازگشت به سرچشمه‌های ایمان و وفاداری ما و به طور خلاصه افزایش و ارتقاء روح واقعی مسیحی در کلیسا.

تا سال‌های زیادی نمی‌توانیم تأثیر کامل هفته مقدس احیا شده را حس کنیم. ممکن است حتی یک قرن طول بکشد اما می‌توانیم نتایج اصلاح کل آیین نیایشی را در طی چند سال گذشته و هم‌چنین در دیدگاه‌هایمان نسبت به تعمید و جایگاه رستاخیز در زندگی کلیسا را مشاهده کنیم.

سوالاتی برای بحث گروهی

- ۱- به طور خلاصه معنی دوگانه اصطلاح راز در این کتاب را توضیح دهید.
- الف) وقتی می‌گوییم که مسیح یک راز است منظورمان چیست؟
- ب) وقتی می‌گوییم هفته مقدس یک راز است؟
- ۲- بزرگ‌ترین رازهای نجات ما کدامند؟ چرا کلیسا در آیین نیایشی خود آنها را به عنوان یک راز تعلیم می‌دهد؟
- ۳- راز گذر موضوعی یگانه است که در تمام هفته گذر برگزار می‌شود. راز گذر چیست؟
- ۴- چند مثال ذکر کنید که نشان دهنده اهمیت و برجستگی رساله یکشنبه نخل در هفته مقدس باشد.
- ۵- چگونه می‌توانیم وارد راز گذر شویم و آن را از آن خود سازیم.
- ۶- دیدگاه کتاب مقدس و آیین نیایشی درباره نجات چیست؟
- ۷- چه موقع نجات بشریت به تحقق کامل پیوست؟
- ۸- مقدمه شب زنده‌داری عید گذر خلاصه‌ای عالی از تعلیم کلیسا درباره جریان عمل نجات است. منظور از این گفته چیست؟
- ۹- گذر خداوند ما، یک گذر قبلی را کامل کرد و به تحقق رساند یعنی گذر قوم یهود الف) گذر یهودی چیست؟ ب) چگونه گذر خداوند ما، گذر قوم اسرائیل را کامل کرد و چگونه بسیار بزرگ‌تر و والاتر از آن است؟
- ۱۰- هاگادا چگونه ما را کمک می‌کند تا درکی عمیق‌تر از آیین نیایشی هفته مقدس را به دست آوریم؟
- ۱۱- چرا کلیسا، عید قیام را به عنوان تولدش جشن می‌گیرد.
- ۱۲- چرا تعمید و قربانی مقدس رازهای مربوط به گذر خوانده می‌شوند؟
- ۱۳- چگونه «سرود شادمانی عید گذر» را با توجه به خروج تفسیر می‌کند؟

۱۴- چگونه ما در مسیح هستیم؟ چگونه مسیح در ماست؟

۱۵- چگونه می‌توانیم در راز رنج مسیح زندگی کنیم؟

۱۶- در آیین نیایشی هفته مقدس «تقدیس انسان به وسیله نشان‌های قابل ادراک و توسط حواس تعریف می‌شود و بطریقی تأثیر می‌گذارد که با هر کدام از این حواس در ارتباط است الف) چند سمبل هفته مقدس را می‌توانید ذکر کنید؟ ب) این سمبل‌ها نماد چیزی هستند؟

۱۷- مراسم فرعی هفته مقدس که در زیر ذکر می‌شود چگونه مراسم اصلی را تقویت کرده و به آن اشاره می‌کنند؟ الف) تقدیس صلیب ب) شستن پاها ج) احیای وعده‌های تعمید؟

۱۸- هفته مقدس، برپایی راز گذر است. این مطلب را در دو معنی خاص آن شرح دهید.

۱۹- کلیسای اولیه چگونه راز گذر را جشن می‌گرفت؟

۲۰- چرا شب زنده‌داری عید گذر مهم‌ترین قسمت برگزاری هفته مقدس است؟

۲۱- نشان دهید چگونه در خلال هفته مقدس، مراسم مربوط به صلیب، سه ساعت رنج و عذاب و ساعات مقدس، معنی واقعی هفته مقدس را بیان نمی‌کند. یعنی به جای رفتن به عمق راز، همیشه در سطح باقی می‌ماند.

۲۲- چرا راز گذر قبل از این که تجربه شخصی اعضا باشد باید توصیف بدن مسیح باشد؟

۲۳- معنی Liturgy (آیین نیایش) چیست؟ اصول هدایت گریوس پنجم در مورد آیین نیایشی شبانی چه بود؟

۲۴- چه پیشنهادات دیگر در مورد پیشرفت مراسم هفته مقدس دارید؟

* * *

* *